

تقریباً همه حداقل دارایی لازم برای زندگی را دارند و فرای آن دیگر نیاز احساسی است.

من متوجه شده ام که وقتی به پاداشی که یک نفر از کار می گیرد یا خانه جدیدی که می خرد حسادت می کنم، رفتارم واقعا بچگانه است.

به همین دلیل تصمیم گرفتم که دیگر خودم را براساس میزان درآمدم درمقایسه با همسایه ها و دوستانم درمقایسه می دانم که برای رسیدن به اهدافم به چه میزان پول نیاز دارم و آن هدف در مغزم حک شده است. خیلی ها بیشتر از آنچه من دارم پول دارند، خیلی ها هم کمتر از آن و این

جمله فکر کنید...

من می خواهم که دیگران کمتر از من ثروت اندوزی کنند. ثروت آنها من را ناراحت می کند و به همین خاطر اگر کسی این وضعیت را درست نکند، بیرون می روم و یک کار ضد اجتماعی می کنم.

خیلی ساده تر نخواهد بود اگر دست از حسادت به آنها بردارم و یاد بگیرم که چطور چنین ثروتی کسب کرده اند؟ آنوقت شاید من هم بتوانم مثل آنها پول در بیاورم.

فقط زمانی می توانید از آنچه که برایتان اتفاق می افتد شاد بوده و لذت ببرید که یاد بگیرید برای آنچه

مسئله این نیست که یک خانواده در فقر و بدبختی غوطه بخورد و دیگری ثروتی وافر داشته باشد. مسئله ناراحت بودن به خاطر این است که مثلاً پارکینگ خانه دخترخاله تان سه ماشین جا دارد اما پارکینگ شما فقط دو ماشین می گیرد و اگر مال او یک ماشینه بود شما خیلی خوشحال تر بودید.

چرا ما برخلاف نفع شخصی خودمان عمل می کنیم؟ آیا این طبیعت انسان است؟ یا وضعیت باعث شده اینطور رفتار کنیم؟ این طرز فکر برخلاف نفع شخصی خودمان عمل می کند چون

تا به حال به این فکر کرده اید که چقدر پول و اعتماد به نفس با هم مرتبط هستند؟

خیلی از اضطراب های درون فردی و مشکلات اجتماعی ما حول این مسئله می چرخد که پول مقیاس عدالت، مساوات و ارزش های انسانی است.

این مقاله را هفته گذشته در مجله "Naked Economist" خواندم و این قسمت آن خیلی تاثیرگذار بود:

گروهی از تحقیقات اقتصادی نشان می دهند که حس سلامتی ما بیشتر با ثروت نسبی ما تعیین می

حسادت به درآمد دیگران خوشبختی را از بین می برد



شود تا ثروت واقعی‌مان.

به عبارت دیگر، ما به این توجه نمی کنیم که واقعا چقدر پول داریم، بلکه بیشتر پولمان را نسبت به سایرین می سنجمیم. در یک تحقیق بسیار جالب، رابرت فرانک اقتصاددان به اثبات رساند که اکثریت آمریکایی ها ترجیح می دهند که ۱۰۰,۰۰۰ دلار پول در بیاورند درحالیکه سایرین ۸۵,۰۰۰ دلار کسب می کنند تا ۱۱۰,۰۰۰ دلار درمقابل ۲۰۰,۰۰۰ دلاری که بقیه درمی آورند.

کمی در این باره فکر کنید: مردم ترجیح می دهند چیزهای کمتری داشته باشند به شرطی که اموالشان از همسایه بیشتر باشد. نکته اینجاست که یک ملت با یک کیک کوچک که بتوان آنرا عادلانه تر تقسیم کرد خوشحال تر هستند تا یک کیک بزرگ که نمی توان آن را عادلانه بین همه تقسیم کرد.

اما چرا ما اینقدر دوست داریم خودمان را در مقابل دیگران بسنجیم؟ کمی به احمقانه بودن این

اصلاً من را اذیت نمی کند. می دانم که فقط خودم هستم که می توانم جلوی درآوردن آن مقدار پول که برای رسیدن به اهدافم نیاز دارم را بگیرم. و می دانید... الان خیلی شادتر از گذشته زندگی می کنم.

که دارید شکرگذار باشید. وقتی درمورد این تحقیق با گروه های مختلف صحبت کردم، موضوع آن موجب ناراحتی آنها شد. هیچکس دوست ندارد بفهمد که احساساتی مثل طمع و حسادت در او وجود دارد. اما ما لازم است که این را بفهمیم. در ایالات متحده

مرا ببخش

یارب گناهکار و ذلیل و محقرم
عصیان من به شوکت عزوجل ببخش
یارب تو را به جاه و جلالت دهم قسم
جرم گذشته عفوکن و ماجرا ببخش
یارب مرا ببخش به اهل صلوات و صوم
یعنی به نور صفوات اهل صفا ببخش
یارب تو را به نور جمالت دهم قسم
کز ظلمتم رهان و به نور هدا ببخش
یارب به نور ظلمت خالصان درگهت
این بنده را به ختم همه انبیا ببخش
یارب از این معاصی بسیار بی شمار
مستوجب عقوبتم؛ اما مرا ببخش

یارب مرا به سلسله انبیا ببخش
بر شاه اولیا، علی مرتضی ببخش
یارب گناه من بود از کوهها فزون
جرم مرا به فاطمه، خیرالنسا ببخش
هرکار کرده‌ام، همه بد بوده و غلط
یارب مرا تو بر حسن مجتبی ببخش
یارب اگر که جود وسخائی نکرده‌ام
ما را تو بر سخاوت اهل سخا ببخش
یارب مرا به رحمت بی‌منتها ببخش
یعنی به ساحت حرم کبریا ببخش